



این متن از سایت دانشنامه حوزوی "ویکی فقه" اخذ شده است.
برای آشنایی و استفاده بیشتر به نشانی www.wikifeqh.ir مراجعه فرمایید.

نکاح

نکاح در لغت بنا بر **مشهور** به معنی **وطی** است. پس استعمال آن در **عقد** و **ترویج مجاز** خواهد بود.

فهرست مندرجات

- ۱ - معنای لغوی نکاح
- ۲ - معانی دیگر برای نکاح
- ۳ - نتیجه نهایی
- ۴ - پانویس
- ۵ - منبع

معنای لغوی نکاح

(مصدر نکح ینکح بر وزن ضرب یضرب می‌باشد [۱] [۲]).

نکاح در **لغت** بنا بر **مشهور** به معنی **وطی** است. پس استعمال آن در **عقد** و **ترویج مجاز** خواهد بود. و به قول بعضی حقیقت در **عقد** است از جهت کثرت استعمال آن در عقد.

معانی دیگر برای نکاح

و به قول برخی دیگر نکاح مشترک بین هر دو معنی است زیرا در هر دو استعمال شده و اصل در استعمال حقیقت است. و جمعی نیز گفته اند که نکاح در اصل به معنی التقاء است. گفته می‌شود «تناکح الجبلان اذا التقیا» [۳].
و یا به معنی ضم و انضمام است گفته می‌شود: «تناکحت الاشجار: اذا انضم بعضها الی بعض» [۴] [۵] [۶] یعنی هرگاه درختان بهم پیوسته باشند.
و یا به معنی اختلاط است. گفته می‌شود: «نکح المطر الارض اذا اختلط بترابها» یعنی هرگاه **باران** با **خاک زمین** آمیخته گردد. [۷] [۸] بنا بر این هم در عقد و هم در **وطی** مجاز است زیرا مأخوذ از معنی دیگر است.
در تأیید این قول گفته می‌شود که هیچ یک از دو معنی از لفظ نکاح فهمیده نمی‌شود مگر به **قرینه** و **قرینه علامت مجاز** است. [۹]
و از **ابی علی فارسی** منقول است که هرگاه گفته شود «نکح فلان فلانة أوبنت فلان» غرض عقد و ترویج است. و چون گفته شود «نکح امرأته أو زوجته» غرض **جماع** و **وطی** می‌باشد. [۱۰]

نتیجه نهایی

بالجمله چنانکه گفتیم مشهور آن است که نکاح در لغت حقیقت در **وطی** است. و نیز مشهور آن است که در **شرع** حقیقت در عقد است. [۱۱] پس می‌توان گفت: نکاح عقدی است که متضمن **اباحه** **وطی** باشد. [۱۲] و یا عقدی است که مورد آن **تملیک منفعت بضع** است. [۱۳]

پانویس

۱. ↑ ابن منظور، مجد بن مکرم، لسان العرب، ماده «نکح».
۲. ↑ طریحی، فخرالدین بن مجد، مجمع البحرین، ص ۲۰۰.
۳. ↑ نجفی جوهری، مجدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵.
۴. ↑ الفیومی، احمد بن مجد بن علی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۴.
۵. ↑ جرجانی، علی بن مجد، تعریفات، ص ۲۴۶.
۶. ↑ خطیب شربینی، مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۲۰۰.
۷. ↑ الفیومی، احمد بن مجد بن علی، المصباح المنیر، ج ۲، ص ۶۲۴.
۸. ↑ نجفی جوهری، مجدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۵.
۹. ↑ نجفی جوهری، مجدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۶.
۱۰. ↑ الزرقانی، مجد عبد العظیم، شرح زرقانی (برموطا)، ج ۳، ص ۱۸۷.
۱۱. ↑ نجفی جوهری، مجدحسن، جواهر الکلام، ج ۲۹، ص ۶.
۱۲. ↑ خطیب شربینی، مغنی المحتاج، ج ۴، ص ۲۰۰.
۱۳. ↑ جرجانی، علی بن مجد، تعریفات، ص ۲۴۶.

جباري عربلو، محسن، فرهنگ فقه اصطلاحات اسلامي، ص ۱۷۴-۱۷۵.